



حجم کتاب درسی

به سوی تحول کلاس درس

بسیاری از معلمان و دانش‌آموزان درباره حجم کتاب‌های درسی و تناسب آن با ساعات درس معتقدند که حجم کتاب‌های درسی زیاد است. در مقاله زیر، ضمن تحلیل بعضی از علل مؤثر بر وجود چنین احساسی در مخاطبان، نکاتی برای بهبود مدیریت زمان آموزشی ارائه شده است.

۱. طول سال تحصیلی چقدر است؟

اگرچه طبق برنامه درسی ملی، سال تحصیلی از اول مهرماه هر سال شروع می‌شود و تا پایان شهریور سال بعد، به طول می‌انجامد. اما همگی می‌دانیم بخش آموزش رسمی معمولاً حداکثر تا آخر خردادماه پایان می‌پذیرد. بدین ترتیب یک سال تحصیلی شامل حداکثر ۳۷ هفته فعالیت آموزشی است. در عین حال، چون تعدادی از هفته‌های سال تحصیلی هفته‌های فعال کاری نیستند و مثلاً از اوایل خرداد کلاس‌های درسی تشکیل نمی‌شود. از این‌روست که مؤلفان کتاب‌های درسی، عموماً، مطالب کتاب‌ها را برای ۲۸ هفته طراحی می‌کنند.

۲. هنگامی که گفته می‌شود یک درس دارای دو یا سه یا چهار زنگ در هفته است، منظور از زنگ

چيست؟

در نظام آموزشی ما، طبق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، زنگ یعنی یک بازه زمانی پنجاه دقیقه‌ای که به دنبال آن، ده دقیقه زنگ تفریح است و روی هم شصت دقیقه را تشکیل می‌دهد. این پنجاه دقیقه یک فرصت یادگیری مستقل است؛ اما هنگامی که در بعضی از مدارس، دو زنگ را به هم می‌چسبانند و آن را به یک زنگ صد دقیقه‌ای تبدیل می‌کنند و در عمل آن را به زنگی هفتاد، هشتاد دقیقه‌ای کاهش می‌دهند؛ در عمل، نیمی از موقعیت‌های یادگیری کلاس را از بین می‌برند. تحقیقات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از نظر ذهنی و روانی نمی‌توانند بیش از ۲۵ دقیقه تمرکز داشته باشند. بنابراین، هنگامی که زنگ‌ها تجمیع می‌شود در واقع فرصت‌های

زنگ یعنی یک بازه زمانی پنجاه دقیقه‌ای که
بهدنبال آن، ده دقیقه زنگ تفریح است و
روی هم شصت دقیقه را تشکیل می‌دهد.
این پنجاه دقیقه یک فرصت یادگیری مستقل
است

نکته‌های سوم و چهارم شاید برای معلمان کاربردی‌تر
باشند.

۳. **شتاب تدریس:** شتاب تدریس از موضوعاتی است که
اختیار آن در دست معلم است. همه معلمان یک طراحی
آموزشی دقیق، جدی و زمان‌بندی شده ندارند که مثلاً
مشخص باشد در سه دقیقه اول کلاس می‌خواهند چه
کاری را انجام دهند و ده دقیقه بعد را به چه کاری اختصاص
می‌دهند. در واقع، هرگونه طراحی آن‌ها به تجربه زیسته
آن‌ها از کلاس درس برمی‌گردد نه به شیوه‌های علمی و
توصیه شده. در نتیجه، عموماً معلم وارد کلاس می‌شود در
حالی که یک زمان‌بندی خیلی دقیق و جدی برای خود
ندارد. در این حالت، خیلی مواقع پیش می‌آید که فرایند
کار در طول زمان از دست او در می‌رود و احساس می‌کند
که وقت کم آورده است. یکی از نکته‌های بسیار مهمی
که در این باب وجود دارد، این است که مؤلف کتاب باید
کاری بکند که با توجه به فرایندی که گفته شد، آنچه
لزوماً باید در کلاس درس روی دهد اتفاق بیفتد، و آن
نقشی است که دانش‌آموز، به‌عنوان مسئول یادگیری، به
عهده دارد و باید در بیرون از کلاس درس انجام دهد. معلم
نیز باید کاملاً به این نقش توجه کند. در یک طراحی
آموزشی مناسب که با شتاب مناسب همراه است، همه
فعالیت‌های کلاس قابل پیش‌بینی است و تلاش می‌شود
برای تمام فعالیت‌ها، بازه‌های زمانی متناسب با آن در نظر
گرفته شود.

در این‌باره نگارنده خاطره‌ای دارد که نقل آن مفید
است: روزی در یک کلاس درس، معلمی را دیدم که به
دانش‌آموزان املا می‌گفت و این کار را به شیوه‌ی خلاقانه‌ای
انجام می‌داد. بدین ترتیب که دانش‌آموزان را به هشت
گروه تقسیم کرده و آن‌ها را در هشت نیمکت سه تایی
نشاند. او برای دانش‌آموزانی که در نیمکت اول بودند،
پنج لغت را تعیین کرد و آن‌ها باید در مشورت با هم
به یک جمله می‌رسیدند و آن را می‌نوشتند و به بقیه



یادگیری تقلیل می‌یابد. دلیل این تجمیع آن است که
مدرسه‌ها تمایل دارند در یک زمان کوتاه، از صبح تا ظهر،
کل زمان آموزش را پوشش بدهند تا دانش‌آموزان زودتر
مدرسه را ترک کنند؛ در حالی که مثل بیشتر کشورهای
جهان، می‌توان زمان آموزشی طولانی‌تری داشت، طوری
که دانش‌آموزان حتی تغذیه مختصری را هم در مدرسه
بخورند. در شرایط کنونی، باز هم تأکید بر این است که
تا حد امکان، کلاس‌ها در همان پنجاه دقیقه، به علاوه ده
دقیقه زنگ تفریح، برگزار شود. به‌نظر می‌رسد اگر یک
کلاس در چهل دقیقه اجرا شود، بهتر از این است که دو
زنگ را به هم بچسبانند تا صد دقیقه شود. در واقع دو بازه
زمانی مستقل چهل دقیقه‌ای راندمان و بازه بالاتری از یک
کلاس پیوسته صد دقیقه‌ای دارد.

۴. **کلاس وارون:** وقتی به کتاب، به موضوع درس و به سناریوی یادگیری به گونه‌ای نگاه می‌کنید، که می‌بایست فرایند صفر تا صد آن، باید در کلاس درس با محوریت معلم پیموده شود خود را با مشکل بزرگی روبه‌رو کرده‌اید. اما، به گونه‌ی دیگری هم می‌توان به این موضوع نگاه کرد. یعنی معلم می‌تواند قاعده‌ی بازی را عوض کند و به مفهومی به نام کلاس وارون برسد. برای آشنایی با این مفهوم، می‌توان در فضای شبکه‌ی جهانی اطلاعات، واژه‌ی کلاس وارون یا کلاس معکوس (Flipped Classroom) را جست‌وجو کرد و به دنیایی از اطلاعات در این‌باره رسید.*

* به‌طور بسیار خلاصه، کلاس وارون یا کلاس معکوس، متوجه به فرصت‌های یادگیری خارج از کلاس با اعطای مسئولیت یادگیری به دانش‌آموزان است.

در چنین رویکردی، یادگیری در کلاس درس سازمان‌دهی می‌شود و بخش عمده‌ای از آن با استفاده از متون تعیین شده و منابع یادگیری معین در خارج از کلاس توسط دانش‌آموز آموخته می‌شود و نتایج و برون‌دادهای یادگیری به کلاس گزارش می‌شود. (ارائه یا Presentation)



می‌گفتند تا آن را بنویسند. سپس گروه دوم باید همین کار را انجام می‌داد. در مجموع این جلسه، تنها به پنج گروه نوبت رسید و وقتی زنگ خورد بچه‌های کلاس املایی فقط با پنج جمله را نوشته بودند.

نکته‌ای که معلم به آن دقت نمی‌کرد این بود که وقتی گروهی داشتند جمله‌ای را می‌ساختند، بقیه بیکار بودند و خیلی سروصدا می‌کردند. پس بهتر بود معلم به جای اینکه این کلمات را جداگانه به هر گروه بدهد، آن‌ها را به‌صورت هم‌زمان به همه گروه‌ها می‌داد تا هم جمله‌های بیشتری ساخته می‌شد و هم از شلوغی کلاس پیشگیری می‌کرد. در واقع، معلم به این نکته توجه نداشت که کار گروهی هم باید دارای سرعت کافی باشد. متأسفانه خیلی وقت‌ها در کلاس‌ها رویه‌ای در پیش گرفته می‌شود که از سرعت کار می‌کاهد.

اما نقطه‌ی مقابل این کلاس، کلاسی دیگری بود که در آن، معلم پایه‌ی اول دبستان به بچه‌ها املا می‌گفت. او قبلاً با صدای خود املا را با سرعت مناسب و با تکرار معین و قانونمند ضبط کرده بود. وی قبل از پخش صدای خود به دانش‌آموزان گفت: بچه‌ها! به جای اینکه من خودم به شما دیکته بگویم، صدایم را در اینجا پخش می‌کنم و شما با شنیدن شروع کنید دیکته را بنویسید. بدین ترتیب، هنگامی که صدای معلم پخش می‌شد، او فرصت می‌کرد به تک‌تک دانش‌آموزان رسیدگی کند و متوجه شود که آیا آن‌ها قواعد قلم به دست گرفتن را رعایت می‌کنند، آیا سرعت کافی دارند و آیا به‌طور کلی مشکلی دارند یا نه. به عبارت دیگر فرصتی برایش فراهم می‌شد که به‌طور انفرادی فعالیت دانش‌آموزان را مشاهده کند. در این دو خاطره، در واقع، هر دو روش، روش خوبی است، اما در روش دوم، زمان آموزش و قواعد استفاده‌ی بهینه از زمان یادگیری در کلاس، بهتر رعایت شده است.

یادگیری در کلاس درس سازمان‌دهی می‌شود و بخش عمده‌ای از آن با استفاده از متون تعیین شده و منابع یادگیری معین در خارج از کلاس توسط دانش‌آموز آموخته می‌شود و نتایج و برون‌دادهای یادگیری به کلاس گزارش می‌شود. (ارائه یا Presentation)